



امکان‌های ناشناخته ما:

«فهمیدن»

موقعیت دیگری»

دکتر مقصود فراستخواه

منزه از غریزه و لذت و قدرتی که دیگران را برای خاطرش به صلابه می کشیم؟! پس انتظار می رود ما آدم‌ها کوششی درخور برای فهم موقعیت گفتاری و کرداری همدیگر به کار بگیریم. سعی وجودی و ذهنی برای فهم معانی و مرادات نهایی دیگران (دیگرانی از هر نوع)، به چند دلیل با ارزش است:

۱- واجد عنصر اکتشاف است. وقتی دیگری را می فهمیم مثل این است که امر «حال» «منفرد» (یگانه) و «متفاوت» تازه‌ای را کشف کرده ایم.

۲- جذابیت اخلاقی دارد. وقتی دیگری را می فهمیم، این قرین عزت نفس، بردباری، بلند نظری، مسرت و تجربه کمال است.

۳- آرامشی در ذهن و جان ما به وجود می آورد و از بسیاری تنش‌های روانی، فارغ مان می کند.

۴- برای حیات اجتماعی مان کم خطرتر و پرثمرتر و مفیدتر است. زیستن با دیگری، صلح با دیگری و گفتگو و همفهمی را تسهیل می کند. رنج کمتری در بر دارد و شاید لذت و برکت بیشتری.

m_farasatkah@yahoo.com

farasatkah3.blogspot.com

معمولا از حالت متقارن و متوازن و متعارف به در می رود و به شکلی از خشونت ذهنی درباره دیگری در می آید؛ خشونتی که با انواع شقوق مذهبی یا ایدئولوژیک و حتی اخلاقی و غیر آن شکل می گیرد؛ در اشکال قدیمی یا جدیدش می توانیم به جای این همه قضاوت زیادی درباره دیگران، قدری نیز آنها را بفهمیم. آنها را در همان موقعیت واقعی خودشان بفهمیم که چه بسا آن موقعیت را یکسره نیز خود اختیار نکرده اند.

«کوشش برای فهمیدن دیگری» یعنی اینکه چه معانی و مراداتی در پس پشت عقاید و اعمال و حرف‌ها و حرکات و اظهارات مردمان هست. درست است که عقاید و اعمال انسانی قابل فروکاستن به معنا نیستند و آمیخته به میل بقای افراد و گروه‌ها نیز هستند، صورتی از جستجوی لذت و قدرت نیز هستند؛ اما مگر ما خودمان سوژه‌ای استعلایی و

امکان‌های ما برای تنظیم مناسبات خود با دیگران، بسیار است. کوشش برای «فهمیدن موقعیت دیگری» از جمله این امکان‌هاست. ولی چه بسا ما از این امکان نهفته در اقلیم ذهن خود غافل هستیم. «فهم موقعیت دیگران» را شاید رویکردی پدیدارشناسانه به امور انسانی و اجتماعی نام بنهیم یا شاید نگاهی مردم شناختی.

ما به طور انعکاسی، شرطی شده ایم و به طرز ناخودآگاهی عادت کرده ایم که مرتب از موضع و منظر خود، درباره دیگران قضاوت کنیم.

قضاوت به مثابه سعی برای بازنمایی آثار و پیامدهای امور انسانی، البته تا یک اندازه، واجد کاربردهایی است. به نظم اجتماع بشری و به تعادل میدان نیروها و انرژی‌ها کمک می کند و جریانی از مبادله میان ذهنی فراهم می آورد. اما این قضاوت